

يسألونك عن الروح

از تو درباره‌ی روح می‌پرسند

(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا)

[الإسراء: 85].

«و از تو درباره‌ی روح می‌پرسند. بگو: روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است و

به شما از دانش، جز اندکی داده نشده است» [745].

هذا اللفظ (روح) يطلق على كل مخلوق حي في غير هذا العالم الجسماني. فأنفس الإنس والجن وأرواح والملائكة كلها تسمى أرواحاً، وكما أنّ الريح في هذا العالم تحرك الأشياء؛ كذا الأرواح تحرك ما ولجت فيه واندمجت معه.

لفظ «روح» بر هر مخلوق زنده‌ای، در غیر از این عالم جسمانی اطلاق می‌شود. نفس‌های انسان و جن، ارواح هستند و همه‌ی فرشتگان نیز ارواح نامیده می‌شوند. همان‌طور که باد در این عالم، اشیا را به حرکت می‌دارد، همچنین ارواح، آن‌چه را که به درون آن می‌پیوندند و با آن ترکیب می‌شوند را به حرکت در می‌آورند.

(وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثَقَالًا سَقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) [الأعراف: 57].

«و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده‌رسان می‌فرستد، تا آن‌گاه

که ابرهای گرانبار را بردارند. آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود

آوریم و از هرگونه میوه‌ای [از خاک] برآوریم. این‌سان مردگان را [نیز از قبرها]

خارج می‌سازیم. باشد که شما متذکر شوید» [746].

وَأَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى الْإِنْسَانُ (الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ
 الْإِنْسَانَ) [الرحمن: 1 - 3]، ثم خلق الخلق من الإنسان الأول، وهذا الإنسان الأول هو
 تجلي اللاهوت في الخلق وهو العقل الأول والروح الأول المخلوق وهو روح الله
 (وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ
 جَعَلْنَاهُ نُوراً نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) [الشورى:
 .52]

اولین چیزی که خداوند سبحان و متعال آفرید، انسان بود. «[خدای] رحمان
 قرآن را یاد داد. انسان را آفرید» ([747]). سپس مردم را از اولین انسان آفرید. این
 انسان اول، تجلی لاهوت در خلق است و آن همان عقل اول و روح اول است که
 آفریده شد و آن روح خداوند است: «(و همین گونه روحی از امر خودمان به سوی
 تو وحی کردیم. تو نمیدانستی کتاب چیست؟ و نه ایمان [کدام است؟] ولی آن را
 نوری گردانیدیم، که هر کس از بندگان خود را بخواهیم به وسیله‌ی آن راه
 می‌نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت میکنی» ([748]).

«عَنِ الْأُحْوَلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الرُّوحِ الَّتِي فِي آدَمَ (عليه السلام)
 قَوْلُهُ فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي قَالَ هَذِهِ رُوحٌ مَخْلُوقَةٌ وَالرُّوحُ الَّتِي فِي
 عَيْسَى مَخْلُوقَةٌ» ([749]).

احول گوید: از امام صادق (ع) در مورد روحی پرسیدم که مطابق این آیه در آدم
 (ع) بود: «پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم» ایشان
 فرمود: (این روح آفریده شده است و روحی که در عیسی بود، نیز آفریده شده
 بود). ([750]).

«عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ
 حُمْرَانَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَرُوحٌ مِنْهُ قَالَ هِيَ
 رُوحُ اللَّهِ مَخْلُوقَةٌ خَلَقَهَا اللَّهُ فِي آدَمَ وَعِيسَى» ([751]).

حمران می‌گوید: (از امام صادق (ع) در مورد سخن خداوند عزوجل: (وَرُوحٌ مِنْهُ) (و روحی از او) پرسیدم. ایشان فرمود: آن روح خداوند است که آفریده شده است و خداوند آن را در آدم و عیسی آفرید). [752]

فروح الله أو الروح التي سجد لها الملائكة لما نفخت في طينة آدم المرفوعة وتجلت في صلبه هو الروح الأعظم محمد (صلى الله عليه وآله) (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ) [الحجر: 29]، [ص: 72]. فالسجود في الآية "فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ" إنما هو للروح الأعظم أو محمد (صلى الله عليه وآله)، فهو القبلة الأولى لمعرفة الله سبحانه وتعالى، فلم يكن سجود الملائكة لآدم (عليه السلام) إلا بعد أن نفخ في آدم من الروح الأول محمد (صلى الله عليه وآله)، فالروح الذي يسألون عنه كان يواجههم ويواجهونه في هذا العالم بجسد محمد (صلى الله عليه وآله) ولم يكونوا يعلمون، (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا).

روح خداوند یا روحی که هنگام دمیده شدن در گِل مرفوع (بالابرده شده) آدم، در آن دمیده شد و در صُلب او تجلی نمود و فرشتگان به آن سجده نمودند، همان روح اعظم، محمد(ص) می‌باشد. «پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده در افتید» [753]. این سجده برای روح اعظم یا محمد (ص) می‌باشد. او قبله‌ی آغازین برای شناخت خداوند سبحان و متعال است. سجده‌ی فرشتگان به آدم (ع) پس از دمیده شدن از روح اول، محمد (ص) بود. روحی که از پیامبر در مورد آن می‌پرسیدند، با آنان در این عالم روبه‌رو می‌شد و آنان با او، با جسم محمد (ص) روبه‌رو می‌شدند، ولی نمی‌دانستند. «و از تو درباره‌ی روح می‌پرسند. بگو: روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است و به شما از دانش، جز اندکی داده نشده است» [754].

«عن جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام): يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ خَلْقَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَعَثْرَتُهُ الْهُدَاةَ الْمُهْتَدِينَ فَكَانُوا أَشْبَاحَ نُورٍ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ

قُلْتُ وَمَا الْأَشْبَاحُ قَالَ ظِلُّ النُّورِ [755] أَبْدَانُ نُورَانِيَّةٍ بِلَا أَرْوَاحٍ وَكَانَ مُؤَيِّدًا بِرُوحٍ وَاحِدَةٍ وَهِيَ رُوحُ الْقُدْسِ فِيهِ [756] كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ وَعِثْرَتُهُ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ حُلَمَاءَ عُلَمَاءَ بَرَرَةً أَصْفِيَاءَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَالسُّجُودِ وَالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَيُصَلُّونَ الصَّلَوَاتِ وَيَحْجُونَ وَيَصُومُونَ» [757].

جابر بن یزید گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: (ای جابر! خداوند اولین چیزی که آفرید، محمد (ص) و عترت هدایت شده‌ی هدایت کننده‌اش بودند. آنان اشباح نوری در مقابل خداوند بودند. عرض کردم: اشباح چیست؟ فرمود: سایه‌ی نور، [758] بدن‌های نورانی بدون ارواح. و با یک روح مورد تأیید بود و آن روح القدس است. به واسطه‌ی اوست [759] که خداوند و عترت او، مورد پرستش قرار می‌گیرند. به همین خاطر آنان را صبورِ دانایِ نیکوکارِ نیک آفرید که با نماز و روزه و سجده و تسبیح و تهلیل، خداوند را بندگی می‌کنند و نماز می‌خوانند و حج انجام می‌دهند و روزه می‌گیرند). [760]

[745]. قرآن کریم، سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۵.

[746]. قرآن کریم، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۷.

[747]. قرآن کریم، سوره‌ی رحمن، آیات ۱ تا ۳.

[748]. قرآن کریم، سوره‌ی شوری، آیه‌ی ۵۲.

[749]. الکافی - الكليني: ج 1 ص 133 باب الروح.

[750]. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۳۳، باب «الروح».

[751]. الکافی - الكليني: ج 1 ص 133 باب الروح.

[752]. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۳۳، باب «الروح».

[753]. قرآن کریم، سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۹ و سوره‌ی ص، آیه‌ی ۷۲.

[754]. قرآن کریم، سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۸۵.

[755]. ظل النور هو أثره المظلم الدال عليه، وفي الحديث الشريف النور هو الله سبحانه وتعالى، فهو سبحانه نور لا ظلمة فيه، وظله هو تجليه في الخلق، فهم (عليهم السلام) ظل النور أي أثر الله سبحانه وتعالى في الخلق، وبالأثر يعرف المؤثر فبهم عرف الله سبحانه.

[756]. فروح القدس فيهم، بل هي روحهم في السماء السابعة الكلية (سماء العقل).

[757]. الكافي - الكليني: ج 1 ص 442.

[758]. سایه‌ی نور، اثر تاریک آن است که نشانه‌ی آن است. و در حدیث شریف است که نور، همان خداوند سبحان و متعال است. خداوند سبحان نوری است که تاریکی در او نیست و سایه‌ی او، تجلی او در مردم است. ایشان ص سایه‌ی نور هستند. یعنی اثر خداوند سبحان و متعال در خلق هستند. به واسطه‌ی اثر است که اثرگذارنده شناخته می‌شود. به واسطه‌ی آنان است که خداوند سبحان شناخته می‌شود.

[759]. روح القدس در آنان است. بلکه آن روح آنان در آسمان کلی هفتم، آسمان عقل است.

[760]. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۴۲.